



امیدوارم این سه نقل قول سخاوتمندانه، حداقل توانسته باشد کمی آن فرهنگ مالیخویایی «مونولوگ محور» را تعدیل کرده باشد! (آن هم از طرف آدمی چون حقیر که اکثر وقت‌ها جا برای نوشتن حرف‌های خودش کم می‌آورد!) واقعاً قضیه چیست؟ استاد شبستری در بین این سوابق مختلفشان سابقه نبوت و پیامبری که ندارند خدای ناکرده؟! تخصص جراحی مغز یا توان اختراع موتور بخار چطور؟



مدیریت مرکز اسلامی هامبورگ را به عهده داشتند. به همین دلیل ایشان به زبان آلمانی تسلط داشته و با فرهنگ و تمدن غرب، بخصوص الهیات مسیحی، نیز آشنایی کامل دارند. استاد مجتهد شبستری در دهه ۱۳۳۰ نخستین نشریه دینی، بانام «درس‌هایی از مکتب اسلام» را با همراهی مرحوم امام موسی صدر منتشر می‌کردند. ایشان که در دوره اول مجلس پس از انقلاب نماینده مردم شبستر در مجلس نیز بودند، سال‌ها پیش لباس روحانیت خود را کنار گذاشتند. اخیراً ابراهیم رئیسی به قم مسافرت کرد و با برخی از روحانیون و آیت‌الله‌های ارشد، از جمله آیت‌الله عبدالله جوادی آملی و آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجان، ملاقات کرد. او در ملاقات با آیت‌الله شبیری زنجان ادعا کرد که فقه قادر است برای تمامی مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه راه حل ارائه دهد و بعد از این دو آیت‌الله ارشد تقاضا کرد که برای حل مسائل کشور راه حل ارائه دهند. استاد مجتهد شبستری درباره این موضوع در وب سایت خود چنین نوشت: رئیس جمهور در سفر اخیر خود به قم هنگامی که از فقیهان و مراجع دینی حوزه علمیه درخواست می‌کند برای حل مشکلات کشور راهکار ارائه کنند، آقایان شبیری زنجان و جوادی آملی به جای پاسخ دادن‌های کلیشه‌ای و مبتذل و همیشگی، سنت شکنی می‌کنند و دست روی مهم‌ترین معضل و مشکل سیاسی و فرهنگی کشور می‌گذارند که بیش از چهل سال است ایران را گرفتار کرده است. آن مشکل این است که از طرفی حجیت و مرجعیت علوم انسانی معاصر را که لازمه آن حکمرانی و اداره دموکراتیک کشور و سپردن کارها به دست متخصصان اهل فن است؛ انکار کرده‌اند و از طرف دیگر ارائه راهکارهای نهایی و تصمیمات بنیادی و حکمرانی را از فقیهان طلب کرده‌اند و غیر از فقیه‌سالاری چیز دیگری در صحنه باقی نگذاشته‌اند.

حالا پس از آنکه کشور ایران در طول چند دهه با انواع مشکلات کمرشکن و مسائل درهم‌پیچیده مواجه شده است، دو مرجع دینی صدایشان بلند شده است. آقای جوادی آملی به رئیس جمهور یادآور شده که مدیریت و اقتصاد، علم است و راه‌های حل مشکلات کشور را از این علوم باید جست و اینکه کشور را کمیتة امدادی اداره کردن خلاف فرهنگ خلقت است.

آقای شبیری [زنجان] هم در پاسخ طلب راهکار رئیس جمهور گفته‌اند ما اهل فن نیستیم که درباره جرح و تعدیل مسائل نظر بدهیم. کاری که از دست بنده ساخته است دعا برای رفع مشکلات کشور است. آقای

شبیری تصریح کرده که ارائه راهکار در باب حکمرانی کار فقیهان نیست، اهل فن این کار، دیگران هستند. این جانب [استاد مجتهد شبستری] وقتی دو جواب آن دو مرجع دینی را خواندم، بدون درنگ شعر معروف شهریار به یادم آمد که خطاب به معشوقه بی‌وفایش گفته بود: آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا / بی‌وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا / نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی / سنگدل این زودتر می‌خواستی حالا چرا این سخنان که امروز این دو مرجع می‌گویند، همان نوشداروی پس از مرگ سهراب است. کلیه کسانی که پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون آنها را با مارک لیبرال و غرب‌زده کوبیده‌اند سخنان همان بوده که امروز این دو مرجع دینی می‌گویند. نویسنده این یادداشت [استاد مجتهد شبستری] که در سال ۱۳۷۶ کتاب «هرمنوتیک، کتاب و سنت» را منتشر کرد، تمام حرفش در آن کتاب همین بود که با علم فقه نمی‌توان کشور را اداره کرد و فقیه‌سالاری مشکلات خواهد آفرید.

پس از این هم راه‌حل اساسی آن موضع سیاسی و فرهنگی که گفته شد تفکیک نهاد دیانت از نهاد سیاست و مدیریت است. (السلام) (از صفحه دکتر محمد سهیمی)*

امیدوارم این سه نقل قول سخاوتمندانه، حداقل توانسته باشد کمی آن فرهنگ مالیخویایی «مونولوگ محور» را تعدیل کرده باشد! (آن هم از طرف آدمی چون حقیر که اکثر وقت‌ها جا برای نوشتن حرف‌های خودش کم می‌آورد!) واقعاً قضیه چیست؟ استاد شبستری در بین این سوابق مختلف‌شان سابقه نبوت و پیامبری که ندارند خدای ناکرده؟! تخصص جراحی مغز یا توان اختراع موتور بخار چطور؟ پس منظورشان مدیریت جامعه براساس چیست؟ (فقط در مورد علوم انسانی مثل مدیریت و سیاست مشکل دارند و حتی نمی‌خواهند یا